

## ۳۰

تهران - ۲۱ تیر ماه ۲۵۳۷

شماره - ۳۴۰۶

جناب آقای امیرعباس هویدا وزیر محترم دربار شاهنشاهی  
چون والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی به مدت چهار ماه به چهار سفر رسمی ذیل  
عزیمت خواهند فرمود:

۱. پاریس، برای شرکت در یونسکو؛

۲. برزیل - ریودوژانیرو - برای شرکت در یازدهمین کنگره بین‌المللی تغذیه؛

۳. اتحاد جماهیر شوروی - شهر آلماتا - برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی در زمینه  
خدمات و بهداشت اولیه؛

۴. نیویورک، برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛

مستدعی است با کسب اجازه از پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر  
نسبت به پرداخت مبلغ یک میلیون و دویست هزار دلار هزینه مسافرت‌های مزبور  
معظم‌لها و همراهان از بودجه دولت نیز مقرر فرماید اقدام [کنند] و در اختیار این  
پیشکاری قرار دهند.

غلامرضا گل‌سرخ‌چی

پیشکار والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

۱۱۷۴/۲۱

## ۳۱

تهران - ۲۵ تیر ماه ۲۵۳۷

شماره - ۳۵۴۲

جناب آقای رستم امیربختیار قائم‌مقام رئیس کل تشریفات شاهنشاهی  
بدینوسیله به استحضار می‌رساند که با کسب اجازه از پیشگاه مبارک اعلیحضرت  
همایون شاهنشاه آریامهر، والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی جهت شرکت در  
کنفرانس بین‌المللی در زمینه خدمات درمانی و بهداشتی از ۶ لغایت ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸  
(۱۵-۲۱ شهریور ماه ۲۵۳۷) عازم شهر آلماتا در اتحاد جماهیر شوروی می‌باشند.

همراهان معظم‌لها در این مسافرت عبارت‌اند از:

سرکارخانم ماریانوش انصاری، ندیمه والاحضرت

سرکار خانم مرسده ذوالفقاری، ندیمه والاحضرت

سرکار خانم ظفر، ندیمه والاحضرت  
 جناب آقای مجید رهنما، سفیر شاهنشاه آریامهر  
 جناب آقای غلامرضا گلسرخی، پیشکار والاحضرت  
 جناب آقای هدایت ذوالفقاری، معاون رئیس کل تشریفات شاهنشاهی  
 جناب آقای علی محمد شاپوریان، رئیس دفتر کل روابط عمومی والاحضرت  
 آقای مهدی احساسی، رئیس دفتر روابط بین‌المللی والاحضرت و سرپرست اداره  
 سازمانهای امور بین‌المللی وزارت امور خارجه  
 آقای فرید سینمائی، عکاس مخصوص والاحضرت  
 و خود اینجانب.  
 استدعا دارم دستور فرمایند نسبت به صدور گذرنامه و روادید لازم جهت والاحضرت و  
 همراهان اقدام لازم توسط وزارت امور خارجه معمول گردد.

منشی مخصوص والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی  
 روشنگر اعتماد

[۱۷۴/۴]

۳۳

دربار شاهنشاهی

اداره کل رمز و محرمانه

شماره: ۱-۲۱۶/م

تاریخ: ۲۵۳۷/۵/۱۵

پیوست: دارد

سری - خیلی فوری

جناب آقای جمشید آموزگار نخست‌وزیر

فتوکی نام شماره ۳۵۸۲ مورخ ۲۵۳۷/۴/۳۱ پیشکاری والاحضرت شاهدخت اشرف  
 پهلوی درباره پرداخت هزینه مسافرت‌های رسمی معظم‌لها به کشورهای فرانسه، امریکای  
 جنوبی، شوروی و همچنین نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد  
 که از شرف عرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر گذشته و در  
 هامش آن اوامری دستخط فرموده‌اند به پیوست ایفاد می‌گردد.

امر مطاع مبارک ملوکانه شرف صدور یافت: «نخست‌وزیر رسیدگی و به من گزارش  
 بدهد.»

امیرعباس هویدا

[۱۷۴/۷]

۳۳

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی  
پیشکاری

تهران - ۲۲ - مرداد ماه ۲۵۳۷

شماره - ۲۷۵۰

نخست وزیر

جناب آقای علی فرشچی معاون محترم نخست وزیر

ضمن اظهار امتنان وصول مرقومه شماره ۱-۴ / ۲۰ م مورخ ۲۵۳۷/۴/۲۱ و یک برگ چک پیوست آن به مبلغ ۸۴/۷۲۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه مسافرت های والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی را به استحضار می رساند.

پیشکاری والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

محمود صدقی، مشاور حقوقی

[۱۲ - ۳۲ - ۵۵۴ الف]

۳۴

شاهدخت اشرف پهلوی

دفتر ایالات متحده

۳۷۵۶۰ دلار	۱۹۷۶	۱۲ اکتبر
" ۱۰,۰۰۰	۱۹۷۶	۱۸ اکتبر
" ۳۰,۰۰۰	۱۹۷۶	۴ نوامبر
۲۰,۰۰۰/۰۰ دلار	۱۹۷۶	۱۱ نوامبر
" ۵,۳۰۶/۱۵	۱۹۷۶	۱۶ نوامبر
" ۳۰۰,۰۰۰/۰۰	۱۹۷۶	۲۱ دسامبر
" ۵۰,۰۰۰/۰۰	۱۹۷۶	۲۱ دسامبر
" ۱۵,۰۰۰/۰۰	۱۹۷۶	۲۱ دسامبر

[۲۱ - ۳ - ۳ - ۵۵۴ الف]

## ۳۵

## اطلاعیه

نوشته: آقای نیکله،

اظهارکننده: شخص آقای [امیر هوشنگ] دولو [قاجار]

در تاریخ ۲۱ فوریه ۱۹۷۱ آقای وبر بازپرس پارک [دادگاه] ژنو، آقای حسن قریشی<sup>۷</sup> را به اتهام:

۱. تهیه ۳۵ گرم تریاک توقیف می‌نماید که در جریان بازپرسی، آقای قریشی اظهار می‌دارد که تریاک را از اینجانب گرفته است.
۲. اینجانب یکی از پیشخدمتهای مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر هستم و در معیت معظم‌له در سن موریتس اقامت داشتم و به لحاظ اتهام وارده از طرف حسن قریشی مورد احضار بازپرسی قرار گرفتم و به‌طور کلی از مصونیت سیاسی برخوردار بودم.
۳. در مقابل شایعات و اخبار غیر وارد و غیرمتعادل جراید با موضوع اتهام ۳۵ گرم تریاک تصمیم گرفتم از مصونیت خود صرف‌نظر و برای معرفی خود به بازپرس عازم ژنو شوم.
۴. متأسفانه به علت کهولت - ۶۸ سال سن - و عارضه بیماری قلبی مجبور شدم در بیمارستان بستری و تحت درمان اطباء متخصص قلب در ایران قرار گیرم حتی برای اثبات بیشتر وضع مزاجی خود طیب مخصوص از ژنو بخواهم که وضع مزاجی مرا از نزدیک معاینه و با دادن گواهی لازم، سکت قلبی اینجانب را تأیید نماید والا به مجرد اینکه حالت مزاجی و قلبی‌ام اجازه مسافرت به سویس را بدهد موضوع را به وکیل خود در ژنو اطلاع داده و خود را در اختیار بازپرس قرار خواهم داد.
۵. اینجانب در سال ۱۹۶۰ در پاریس مورد لطف پلیس فرانسه برای استعمال تریاک قرار گرفتم ولی چون دارای گواهی پزشکی از پزشک فرانسه برای استعمال تریاک به علت بیماری بودم لذا پرونده نتوانست تعقیب شود و به نفع اینجانب خاتمه یافت و لذا باید بگویم کسی که مدت چهل سال به علت بیماری قلبی مجبور به استعمال تریاک شود نمی‌تواند او را با مواد دیگر مخدر بدون اینکه خطر جانی در بین باشد معالجه نمود و به همین مناسبت این نوع اجازه طبی و قانونی همان‌طوری که در ایران وجود دارد در سوئیس نیز وجود دارد.

۷. تاجر ایرانی مقیم سوئیس.

[یادداشت: | نوشته آقای نیکله که امیر هوشنگ به مازندی<sup>۸</sup> یا رائین<sup>۹</sup> خواهد گفت برای درج در جراید خارجی و داخلی.

[۵۵ و ۵۴-۵-۲-۱۷۱-الف]

## ۳۶

دربار شاهنشاهی

حضور محترم جناب آقای امیر [هوشنگ] متقی

معاون محترم وزارت دربار شاهنشاهی

دوست عزیز،

- آقای فرانسوا ساردا، وکیل روزنامه لوموند دیشب به من تلفن کرد.
۱. نامبرده از استقبالی که در تهران از او به عمل آمده بی اندازه تحت تأثیر قرار گرفته. او با بهترین خاطرات از ایران مراجعت کرده است.
  ۲. آقای لومر امروز به او تلفن کرد و از او خواسته ساعت ده صبح برای مذاکره درباره شکایت والاحضرت اشرف علیه روزنامه لوموند با او ملاقات کند.
  ۳. آقای ساردا بسیار متأسف است که این شکایت در موقعی اتفاق می افتد که آقای ساردا می خواهد در روزنامه لوموند خاطرات بی نظیر خود را از سفر به ایران منتشر کند و پس از اینکه آقای ادگار فوریه مدیر روزنامه لوموند اطلاع داده که اگر تکذیب مربوطه در روزنامه چاپ شود شکایت علیه لوموند انجام نخواهد شد.
  ۴. آقای ساردا از من درخواست کرده که آقای لومر ۴۸ ساعت صبر کند تا روزنامه لوموند بتواند پیشنهاد مصالحه دوستانه بکند.
  ۵. من می دانم که این برخلاف مقاصد صریح و واضح والاحضرت اشرف می باشد ولی ارزش دارد که به این مطلب توجه شود که اگر روزنامه لوموند نسبت به ایران روش دوستانه داشته باشد یک جنبه بین المللی خواهد داشت و اهمیت آن را به خصوص قبل از مسافرت اعلیحضرت شاهنشاه به سوئیس نباید از نظر دور داشت.

۸. یوسف مازندی خبرنگار خبرگزاری یونایتد پرس.

۹. پرویز رائین رئیس خبرگزاری آسوشیتد پرس در ایران.

۶. به هر حال جای تأسف است که این شکایت قبل از اینکه روزنامه لاسوئیس خبر خود را که اساس مقاله لوموند بوده است تکذیب نکرده انجام شود. من در این باره اطلاع ندارم و این بی‌اطلاعی باعث ناراحتی من است. در صورتی که بین آقای هیسلی و لاسوئیس اختلاف باشد در محل من یک روزنامه مخالف در مورد جریان کارهای آقای دولو خواهم داشت، همچنین برای آینده نسبت به سفر اعلیحضرت شاهنشاه.

به همین علت است که من در پاریس اصرار ورزیده بودم که به‌طور دوستانه روزنامه لاسوئیس تکذیبی از خبر خود منتشر سازد و یک همکار زن روزنامه لاسوئیس برای مصاحبه با والاحضرت اشرف در باره فعالیت‌های ایشان در کمیسیون حقوق بشر و در یونسکو به تهران برود. از طرف دیگر روزنامه لاسوئیس از امروز صبح مخاصمت را آغاز کرده است.

«قاضی بسیار متعجب شده است» - مقاله لاسوئیس -

طبق یک خبری که در یکی از روزنامه‌های عصر ژنو چاپ شده است قاضی بازپرس وبر به بیمارستان رفته و در اطاق ۵۲۸ - که عموماً مخصوص مریضهای قلب است - بستری شده. و از قضای روزگار اطاق ۵۲۹ برای پرنس د. [دولو قاجار] که متهم به قاچاق تریاک است رزرو شده است اما در ساعت ۲۰/۴۵ آقای قاضی بازپرس وبر به اطلاع ما رسانید که از سلامتی کامل برخوردار است و مرض قلب ندارد و در منزل خود جلوی تلویزیون نشسته است. اما سلامتی او در حال حاضر یا در آینده هیچ ارتباطی با وضع روحی پرنس ایرانی ندارد.

۷. من پیشنهاد می‌کنم که:

الف - شکایت والاحضرت اشرف علیه روزنامه نوول ابسرواتور که امیدی به تغییر روش آن نیست انجام گردد.

ب - که شکایت علیه روزنامه لوموند انجام نشود و تکذیبها با توافقیهای آقای لومر و ساردا منتشر شود.

ج - وضع با روزنامه لاسوئیس هر چه زودتر روشن گردد این مطلب برای من حائز اهمیت است زیرا نمی‌خواهم یک خصم دیگر پشت سر خود داشته باشم.

با عرض عالیترین احترامات

نیکله

[۱۳۷ و ۱۳۶ - ۵ - ۲ - ۱۷۱ - الف]

## ۳۷

## دربار شاهنشاهی

جناب آقای امیر متقی معاون وزارت دربار شاهنشاهی

## ۱ - مسافرت به تهران

من روز نهم ماه مه ساعت ۱۶/۲۵ با پرواز شماره ۷۲۴ ایران ایر از ژنو حرکت خواهم کرد و در ساعت ۲۳/۴۵ به تهران خواهم رسید به لطف آقای فرد، هم بلیط و هم ویزا گرفته‌ام. من در مراجعت به پاریس خواهم رفت و از آنجا با سوئیس ایر به ژنو مراجعت خواهم کرد.

## ۲ - تظاهرات

من به بریگاد سیاسی تلفن کردم. موضوع یک آگهی کهنه است که مربوط به سال گذشته می باشد و مجدداً با چسباندن یک آگهی که به طور وسیعی در شهر منتشر شده است دوباره مسئله مطرح شده. لذا از لحاظ این آگهی نباید واهمه داشت. مع الوصف من شخصاً به اداره سیاسی ساعت ورود آقای دولو را اطلاع خواهم داد. به نظر می رسد که این نحوه بهتر و ساکت تر باشد.

## ۳ - تاریخ جلسه هیئت دادستانی

در تلکس اخیر خود من صحبت از ۱۸ ماه مه و ۲۱ ماه مه کردم. منشی من به من گفت که تاریخ صحیح ۱۹ ماه مه و ۲۲ ماه مه می باشد. لذا به علت «پانتکوت»<sup>۱۰</sup> جلسه تشکیل نخواهد شد و به جای آن جلسه در روز چهارشنبه ۲۴ ماه تشکیل خواهد شد و این تاریخ دیر است زیرا نزدیک به دیدار شاهنشاه آریامهر می باشد.

از اشتباهی که کردم معذرت می خواهم. تمام روز بین تلفنها و نوشتن تلکس بودم.

## ۴ - پاریس روز شنبه ۲۹ آوریل

ساعت ۹

وعده ملاقات با آقای ساردا. آقای ساردا اندکی ناراحت است زیرا هیئت رئیسه روزنامه

۱۰. Pantekot پانته کت. به معنی پنجاهمین (روز). نزد یهودیان، جشنی به یاد روزی که خدا الواح را به موسی فرستاد. نزد عیسویان جشنی که در پنجاهمین روز پس از «پاک» به یاد نزول روح القدس به حواریون برپا شود. (فرهنگ معین).

به او فشار می‌آورد که بار دیگر سعی خود را بکند. با او توافق کردم که وقتی تکذیب در روزنامه لاسوئیس منتشر شد من از خانم ایزابل ویشیناک که اکنون در کلینیک بسر می‌برد تقاضا خواهم کرد مقاله تکذیبیه را بنویسد پس از آن آقای ساردا با آقای لومر تماس خواهد گرفت تا یک راه‌حل قضائی پیدا بکند که مطابق خواسته‌های والاحضرت اشرف پهلوی باشد.

ساعت ۱۰

ملاقات با جناب آقای [مهدی] بوشهری در خانه ایران. او تصمیم دارد آقای گینان را در مشورت شرکت دهد. مداخله آقای گینان از این لحاظ حائز اهمیت است که هنگام دیدار اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر او می‌تواند به تماسهای مفید کمک کند. آقای گینان تا نهم ماه مه در اینجا نیست من پس از مراجعت از سفر ایران با او تماس خواهم گرفت.

ساعت ۱۱

ملاقات با آقای لومر همراه با جناب آقای بوشهری و نماینده سفارت ایران. آقای هایسلی به ما اطلاع داد که در مذاکرات خود با روزنامه لاسوئیس به این نتیجه رسیده که والاحضرت اشرف پهلوی از تعقیف روزنامه لاسوئیس صرف نظر بفرمایند.

۱. منابع خود را اطلاع خواهد داد.

۲. تکذیبیه مورد درخواست را منتشر خواهد کرد.

حائز اهمیت است که این امر هر چه زودتر انجام شود تا فوراً پس از آن تکذیبیه در لوموند چاپ شود و به خصوص قبل از حضور آقای دولو در نزد قاضی، تا از هرگونه انتشار اخبار مخالف دربار شاهنشاهی به مناسبت جریان آقای دولو ممانعت به عمل آید. آقای لومر به ما اطلاع داد که والاحضرت اشرف قصد دارند مجله «توول اوبسرواتور» و «پلیتیک هبدو» را نیز تعقیب نمایند. این مسئله به من ربطی ندارد. ولی من امیدوارم که با «پلیتیک هبدو» همان اشتباهی را که با «لاپیلول» مرتکب شدند تکرار نکنند. من مذاکرات خود را با آقای ساردا به اطلاع آقای لومر رسانیدم آقای لومر آقای ساردا را هرگاه که آقای ساردا بخواهد ملاقات خواهد نمود.

ساعت ۱۲/۳۰

دوباره با آقای ساردا ملاقات کردم. محیط خیلی مساعد نیست او علاقمند بود که جریان کار قبل از صدور احضاریه‌ها معین گردد. وقتی به کازابلانکا وارد شدم به دفتر خود تلکس فرستادم تا سعی کنند آقای گینان را پیدا کنند تا او بتواند با آقای [مهدی] بوشهری



ملاقات کند غیرممکن بود زیرا آقای گینان در برزیل است.  
 ۵. آقای آرسنیویچ خبرنگار روزنامه تریبون دوژنو حاضر است در آخر ماه به ایران  
 مسافرت کند و یک الی دو صفحه درباره ایران رپورتاژ تهیه نماید، البته قبل از دیدار  
 اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران. من هنوز جوابی از خانم پیرت بلان برای انجام  
 مصاحبه با والاحضرت اشرف دریافت نکرده‌ام. شاید تقصیر من باشد ولی من بی اندازه  
 کارم زیاد است و جریان آقای دولو هم کار زیادی دارد و هم نگرانی.  
 ۶. بریده جراید

زمین لرزه	چهار	قطعه
مختلف	۹	قطعه
اقتصاد	۶	قطعه
کمیته دفاع سوئیس	۲	قطعه
درگیری با عراق	۴	قطعه

به نظر می‌رسد موقتاً جنجال مواد مخدره رو به عقب نشینی می‌باشد.  
 با تقدیم احترامات عالیّه و دوستان  
 ریموند نیکله

[در حاشیه:]

جناب آقای امیرمتقی از شرف عرض مبارک گذشت. ۵۱/۲/۱۷  
 [۱۶۶-۱۶۳-۵-۲-۱۷۱ الف]

## ۳۸

دربار شاهنشاهی

جناب آقای امیرمتقی معاون وزارت دربار شاهنشاهی  
 تلکس من چند لحظه پیش قطع شد.  
 اینک دنباله مطبوعات فرانسه  
 ایسی پاری

من می‌دانم این روزنامه تا چه اندازه به طور مداوم نسبت به درباریان زننده است. من به  
 شما اطلاع دادم که امکان دارد آقای شیوتو طبق دعوت من به تهران فرستاده شود. شاید

این وقت آن باشد که روزنامه مزبور را وادار به تغییر رویه بکنیم. او یک مقاله‌ای در صفحه اول راجع به والاحضرت اشرف منتشر خواهد کرد و محتوای مقاله با موافقت والاحضرت خواهد بود.  
من هیچ تعهد مثبت یا منفی قبول نکرده‌ام.

با تقدیم عالی‌ترین احترامات دوستانه

ریموند نیکله

رونوشت این تلکس و تلکسهای قبلی برای آقای خوانساری فرستاده می‌شود.

[۳۹۶-۴-۲-۱۷۱ الف]

۳۹

تلگراف

جناب آقای امیرمتقی

البته جناب آقای خوانساری به تهران خواهید [به تهران خواهد آمد] که همزمان ورود آقای نیکله در تهران باشد.

ضمناً خود من با تلفن به جناب آقای امهدی [بوشهری] گفتم به عرض والاحضرت برسانند تا دستور صریح از طرف ما نرسد و اوامر مبارک را ابلاغ ننمایم راجع به تعقیب یا عدم تعقیب لوموند اقدامی نفرمایند. خواهش می‌کنم سؤال فرمایید تاکنون اقدامی کرده‌اند یا خیر فقط تا خبر ما نرسد هیچ اقدامی نباید بشود.

قربانت علم

تلفناً به عرض جناب آقای امیرمتقی رسیده است - همتی ساعت ۵۱/۱/۳/۲۲۴۵

[۳۵۵-۴-۲-۱۷۱ الف]

۴۰

دربار شاهنشاهی

آقای نیکله

دوست بسیار عزیزم

تلگراف مفصل شما راجع به اقداماتی که برای کار روزنامه لوموند کرده بودید رسید قبلاً

از جانب جناب آقای علم وزیر محترم دربار شاهنشاهی و شخص خودم صمیمانه از زحمات جناب عالی سپاسگزاریم و از حسن نیت آقای ساردا هم بسیار متشکریم برای آن که هماهنگی بین آقای ساردا و آقای Lemeire وکیل والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی به همان صورت که شما برنامه را تنظیم کرده‌اید به وجود آید. جناب آقای [مهدی] بوشهری امشب از تهران به پاریس حرکت کردند و فردا با شما به وسیله تلفن تماس خواهند گرفت که جناب عالی تمام موضوعات را که تلکس فرمودید به اطلاع ایشان برسانید ایشان از تلکس [تلکسی] که مربوط به کار والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی می‌باشد در تهران اطلاع پیدا کرده‌اند ولی باز جناب عالی ایشان را روشن بفرمائید که به چه ترتیب آقای Lemeire وکیل والاحضرت با آقای ساردا وکیل لوموند تماس بگیرند اگر لازم باشد آقای Lemeire وکیل والاحضرت هم با تلفن در حضور جناب آقای بوشهری از پاریس با تلفن<sup>۱۱</sup> با جناب عالی مذاکره خواهند کرد که روشن بشود که چطور کار را باید با آقای ساردا در میان بگذارید و چطور توافق شده است. این بود جریان کار لوموند که با آمدن جناب آقای بوشهری به پاریس به همان صورت که شما با آقای ساردا تمام کرده‌اید و در تلکس ذکر کرده بودید انجام خواهد شد مجدداً در این مورد سپاسگزاریم.

و در مورد کار آقای امیرهوشنگ دولو و آقای خسرو قشقایی<sup>۱۲</sup> هر پیشنهادی که جناب عالی کردید مورد قبول است و همان‌طور که خواسته‌اید به تهران در تاریخی که تعیین کرده‌اید تشریف بیاورید و هر طور شما مصلحت می‌دانید کار آقای امیرهوشنگ دولو را همان‌طور انجام بدهید.

در مورد آمدن روزنامه‌نویس فرانسوی هر وقت لازم دیدید اطلاع بدهید که به رئیس هواپیمای ملی در پاریس دستور بدهیم بلیط در اختیار ایشان بگذارند. در خاتمه از تلاش و کوشش و زحمات بسیار ارزنده جناب عالی بی‌نهایت سپاسگزاریم با گرمترین احساسات دوستانه.

معاون وزارت دربار شاهنشاهی در امور داخلی

امیر متقی

[۱۷۲ - ۱۷۱ - ۵ - ۲ - ۱۷۱ الف]

۱۱. عبارت با تلفن زائد است. ۱۲. نماینده دوره پانزدهم و شانزدهم مجلس شورای ملی.

## ۴۱

دربار شاهنشاهی

ادارهٔ رمز و محرمانه

کشف تلگراف رمز جناب آقای خوانساری از ژنو

جناب آقای امیرمتقی معاون محترم وزارت دربار شاهنشاهی

شخص موردنظر مبلغ چهل و پنج هزار فرانک سوئیس در اختیارمان گذارد که طبق نظر جناب آقای علم وزیر محترم دربار شاهنشاهی پرداخت گردد. طبق مذاکره تلفنی شب گذشته با جناب عالی از این محل مبلغ سی و هفت هزار فرانک به شرح زیر آقای [نیکله] مبلغ سی هزار فرانک، آقای مستوفی مبلغ دو هزار و پانصد فرانک، آقای دکتر فورنت مبلغ چهار هزار و پانصد فرانک پرداخت گردید. به آقای نصیری گفته شد که امروز در موقع ملاقات [نیکله] که قرار است بعد از ظهر انجام گردد و courier |محموله| او را بدهد سه بلیط درجه اول برای روزنامه‌نگارانی که قرار است به تهران بیایند در اختیار ایشان بگذارد و صورت حساب مربوطه با حسابهای قبلی را جمعاً تعیین نماید. همچنین به آقای نصرتیان اطلاع دهند تا آنچه از این بابت طلبکار است صورت دهد تا مبلغ هشت هزار فرانک بقیه به ایشان پرداخت گردد آنچه پیش‌بینی می‌شود حساب هواپیمایی ملی در حدود بیست و پنج هزار فرانک می‌شود. خواهشمند است مراتب را تأیید فرمایید. ۵۵ - ۵۱/۱/۲۹ -

خوانساری

|۵۷۰-۴-۲-۱۷۱ الف|

## ۴۲

دربار شاهنشاهی

جناب آقای امیر متقی معاون محترم وزارت دربار شاهنشاهی

۱- بازجویی از آقای دولو

در جواب تلکس امروز شما.

شکی نیست که آقای قاضی وبر از دخالت‌های وزارت امور خارجه سوئیس بی‌اندازه

ناراحت است و هر دخالت دیگری که بشود کار را مشکل‌تر خواهد کرد.

آقای قاضی وبر تصمیم گرفته است روز دوشنبه پانزده ماه مه از آقای دولو بازجویی کند

و تصور نمی‌کنم که تغییر رای بدهد مگر این که دادستان کل ژنو وی را قانع کند. به هر حال بازجویی را نمی‌توان موقوف به بین روزهای دهم تا دوازدهم آوریل نمود.

۲- راجع به تکذیب روزنامه لاسوئیس

من از آقای هایسلی بی اطلاع هستم آقای ژ. ش. در روز که مقاله را نوشته است - همان مقاله که راجع به والا حضرت اشرف می‌باشد - اکنون دیگر خبرگزار قضایی روزنامه لاسوئیس نیست.

۳- راجع به شکایت علیه لوموند

من با خانم ویشنیاک مذاکره نمودم. خبری که توسط روزنامه لاسوئیس منتشر شده است قبلاً در سال ۶۱-۱۹۶۰ در مجله تایم چاپ شده بود و سپس در سال ۱۹۶۵ در ناسیون و سپس مجله اشپیگل چاپ شده بود بدون این که مورد تکذیب قرار گیرد.

۴- من با آقای برشه امروز نهار خوردم آقای برشه که با روزنامه تریبون دوژنو کار می‌کند. او حاضر است در صورتی که از او دعوت به عمل آید و وسایل در اختیارش گذاشته شود به ایران بیاید.

۵- برای این که تلویزیون سوئیس بتواند به تهران بیاید لازم است که وزارت امور خارجه سوئیس در این باره توصیه نماید. در این باره معتقد هستم که مفید خواهد بود که این رپرتاژ قبل از آمدن اعلیحضرت شاهنشاه ایران نمایش داده شود. در این صورت بی‌اندازه مؤثر خواهد بود. من فردا راجع به مسئله روزنامه‌ها برای شما تلکس خواهم فرستاد.

۶- من تا چند لحظه دیگر جناب آقای خوانساری را ملاقات خواهم کرد.

با تقدیم مراتب عالی‌ترین و دوستانه‌ترین احترامات

نیکله

[۱۱۶-۱۱۵-۵-۲-۱۷۱-الف]

۴۳

دربار شاهنشاهی

از ژنو

جناب آقای علم وزیر محترم دربار شاهنشاهی - تهران

متن خبری که در روزنامه تریبون دوژنو امروز شش آوریل ۱۹۷۲ منتشر شده ذیلاً به

عرض می‌رسد:



## دربار شاهنشاهی

شماره .....

تاریخ

پیوست .....

از ژنو

جناب آقای ظم

وزیر محترم دربار شاهنشاهی - تهران

متن خبری که در روزنامه تربیون د وژنو امروز شنبه آوریل ۱۹۷۲ منتشر شده ذیلا به شرح

میرسد :

آقای فرنان میسلی بما اطلاع میدهد که والا حضرت شامدخت اشرف پهلوی قویلیا  
موضوع رابطه ایشان با جریان در فرودگاه COINTRIN در اوایل ۱۹۶۱ مربوط  
بمواد مخدره تکذیب میفرمایند . در دوم مارس جریان را که از طرف یکی از همکاران بساد آور  
شده بود بطور سریع تحقیق کردیم و تکذیب رسمی سفیر ایران در برن و همچنین اظهارات  
متفق گروه مواد مخدر پلیس بین‌المللی در برن و رئیس امنیت وقت ژنو آقای پروممدین رئیس  
ششمین ناحیه گمرک را میدهیم .

امروز والا حضرت شامدخت اشرف پهلوی بوسیله آقای میسلی بدو، خود تکذیب  
فرموده اند که چندین کیلوهر وین در اناتیه خود در فرودگاه ژنو کوانتوان پیدا کرده بود و  
بر علیه این اظهارات که به حیثیت ایشان لطمه میزند اعتراض فرمودند . معظّم له اظهار  
میدارند که این اتفاق اصلا صورت نگرفته بود.

با عرض احترام

خجانبساری

۱۷۵۱/۱/۱۷-۲۶

۲۴ - ۲۲ - ۲ - ۷۹۴ - ۴

آقای فرنان هیسلی به ما اطلاع می دهد که والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی قویاً موضوع رابطه ایشان با جریان در فرودگاه [کوانترن] Cointrin در نوامبر ۱۹۶۱ مربوط به مواد مخدره تکذیب می فرمایند. در دوم مارس جریان را که از طرف یکی از همکاران یادآور شده بود به طور سریع تحقیق کردیم و تکذیب رسمی سفیر ایران در برن و همچنین اظهارات متفق گروه مواد مخدر پلیس بین المللی در برن و رئیس امنیت وقت ژنو آقای ویرو همچنین رئیس ششمین ناحیه گمرک را [ارائه] می دهیم.

امروز والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی به وسیله آقای هیسلی به نوبه خود تکذیب فرموده اند که چندین کیلو هروئین در اثاثیه خود در فرودگاه ژنو کوانترن [کوانترن] پیدا کرده بودند و بر علیه این اظهارات که به حیثیت ایشان لطمه می زند اعتراض فرمودند. معظم لها اظهار می دارند که این اتفاق اصلاً صورت نگرفته بود.

۱۳۵۱/۱/۱۷-۲۶

با عرض احترام

خوانساری

[۱۳۹-۲۲-۲-۷۹۴-ع]

۴۴

جناب آقای یزدان پناه<sup>۱۳</sup>

امیدوارم که وجود عزیز شما و خانم هر دو در عین سلامت و صحت باشد. موضوعی که می خواستم به شما بگویم این است که شرکت مریخ یعنی سودآور به من عریضه نوشته بود که وزارت دارایی آنها را خیلی اذیت می کند و از آنها ۴۰ میلیون تومان پول می خواهد. تصدیق کنید که پرداخت این وجه برای یک شرکتی غیرممکن است. از شما خواهشمندم که این موضوع را از نزدیک تحقیق کنید و اگر صحت حرفهای [احمد] سودآور را تصدیق کردید موضوع را تعقیب بفرمایید. من در تمام آسمان یک چندرغازی دارم که آن را هم در این شرکت گذاشتم. البته فقط شما خودتان می دانید در این صورت این سرمایه ما هم از بین خواهد رفت.

با تشکرات قلبی

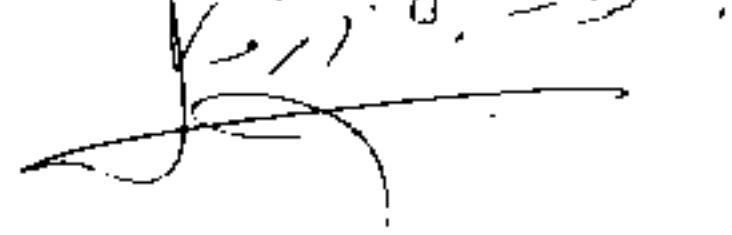
اشرف پهلوی

[۱-۳۲۱-۱۱۱ ی]

۱۳. سپهد مرتضی یزدان پناه در دولت دکتر اقبال در رأس سازمان بازرسی شاهنشاهی بود.

غیب بردان پناه

ایده دارم که در عهد عزیز شما و عالم مرحوم در بین سلاست در  
صحت با شرف بر سر میاید بیرون استم به شما بگویم اینست که شرکت  
مخک یعنی سودا در هر من عرلاسه زشته که که در اوست دارائی  
آلایه ضعیف از دست سکتی دانسته تا هم بیرون توانی در اول  
بخرایید دفعه بیرون که بر داشت این دست بلای یک شرکتی  
عید سکتی است از دست ما بسته ام که این در صحت از نزدیک  
تجربین کتبه داد صحت طحای سودا در صحت بیرون کرد  
در صحت بیفتن توانید من در تمام سال یک چند زمانی  
دادم که اگر ایام در این شرکت که استم (ایده فقط شما بود که ایام  
در این غیر است مایه ایام از این غیر ایام رفت

با کتبه بیستی از طرف  




## ۴۵

## جناب نخست وزیر | جمشید آموزگارا

دوست عزیز، امروز که تهران را ترک می‌کنم خواستم به توسط این نامه هم از شما خداحافظی کنم و هم مطلبی که مورد علاقه شخص من است به شما متذکر شوم. لابد شما از تقاضایی که شرکت BBC سوئیس از پیشگاه اعلیحضرت کرده و به شما رجوع فرمودند مستحضرید ولی شاید اطلاع نداشته باشید که این امر مربوط به شخص من است و شاید هم نباید به شما می‌گفتم ولی از آنجایی که شما را به خودم خیلی نزدیک می‌دانم و به صداقت شما اطمینان دارم خواستم خاطر نشان بشوم که بدانید و در پیشرفت این کار آنچه که ممکن است کمک کنید که فردا انجام گیرد. من آن روز درست با شما نتوانستم صحبت کنم ولی وضع زندگی من خیلی درهم و خراب است و این امر ممکن است که باعث شود که یک کمی بار زندگی سبکتر شود، لذا خواهش مندم آنچه که می‌توانید برای پیشبرد این کار مضایقه نکنید. البته این موضوع را شما می‌دانید و من و خودتان، به همین دلیل خواهش مندم این نامه را بعد از خواندن فوراً پاره کنید.

مطلب دیگری که فراموش کردم آن روز به شما بگویم موضوع بنیاد من است که واقعاً به کمک معنوی و مادی احتیاج مبرم دارد. بعد از برگشتن از مسافرت مفصل با شما در این باب صحبت خواهم کرد ولی مطلبی که فوریت دارد مبلغ یک |مقدار| دلار است که باید برای شعبه بین‌المللی آن که در پاریس تشکیل می‌شود تهیه شود. در حال حاضر چون وضعیت مالی بنیاد خیلی بد است خواهش مندم که دولت این مبلغ را پردازد تا بعداً که بنیاد روی پای خود ایستاد و احتیاجی نداشت قطع کند.

سلامت، موفقیت و سعادت شما را از خداوند متعال خواهانم. اگر هر وقت کاری از دست من برآید برای پیشرفت فکری و کاری از گفتنش دریغ نکنید؛ با کمال میل حاضرم. نامه را بعد از خواندن پاره کنید.

دوست شما

اشرف پهلوی

[۲ - ۲۳ - ۱۱۵ آ]

حاجت‌داری

حجرت عزیز، اردن که طه را به کیم خواهم برسط این نامه  
 هم از سید رضا فاضلی هم دو هم مطلق که برود ملاقه ششمی ~~ک~~ است به  
 شما که درم. لایه شما از تقاضا نیکه شد است BBC سوشی  
 در جلیقه المپیوت کرده و به شما رجوع فرموده ~~مستطوره~~ به در وقت به  
 اطلاع ندانسته باشم که این امر در وسط به شش کی است و در  
 هم بنای به شما میگم ولی از آنجا نیکه شما به ششم فاضلی زاری  
 می‌دانم و بعد است شما این دارم خواهم فاطمات را بسوم  
 که به اینده و در سیدت اینجا بر آنچه که سگی است گد کند که زرد  
 من آرزو در دست شما ترانم صحبت کم ولی وضع زردگی  
 ضعیفی درم و خواب است و این امر نیک است که باعث شود  
 که یک کسی بار زردگی سبکتر شود که خواهم اینده که برایش  
 برای پدید آید و سفایده نکلند. البته این عرضی به فقط شما  
 بیانده و من و عفرات که به این دلیل خواهم این نامه به بعد از  
 خواندن زرد آید.

مطلب دیگری که خواهم کردم آرزو به شما بگویم عرض  
 نیوس است که داخا به گد محوی و مادی آفت ع بر  
 دارد. بعد از برگشتن از سافوت مفصل با شما در این باب  
 صحبت خواهم کرد ولی مطلق که خوریت دارد مبلغ

دلدار است که بیه برای شجه بیس الللی آن که در بریس نقلی میبرد  
 همه شرد. در حال حاضر چون در صفت عالی به فیل بر است فرا به  
 که حضرت این بیع میسر داز دتا بعد که به روی بی می است  
 واجب می نه است قطع کنه.

سلامت موفقت و سعادت که ملا از فردا ند سوال خواهد نمود  
 اگر بر وقت کارها از دست می آید برای شجرت نقلی دکاری  
 از گفتنی در بیع نکنه به حال بیل حاضر

نامه به بازار خواندن به کتبه  
 از قولا

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

# فاطمه و محمود رضا پهلوی

◆ مقدمه

◆ اسناد

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## فاطمه پهلوی

فاطمه پهلوی تنها دختر رضا شاه از عصمت‌الملوک دولتشاهی است. وی در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی به دنیا آمد.<sup>۱</sup> تحصیلات مقدماتی و متوسطه را در دبیرستان انوشیروان در ایران گذراند. در شهریور ۱۳۲۰ به همراه رضا خان راهی جزیره موریس شد. بعد از یک اقامت چهار ماهه در موریس به ایران بازگشت. سه سال بعد همراه شاهپورها برای تحصیل به بیروت اعزام شد.<sup>۲</sup> معاضد، مدیر کل وزارت خارجه، از ایام اقامت و تحصیل شاهپورها و فاطمه پهلوی شرحی بیان می‌کند که شنیدنی است.

اینها آفتی بودند. شهدخت فاطمه وقتی می‌خواست خود را بکشد سم به او نمی‌فروشنده؛ ۲۴ دانه قرص آسپرین [آسپیرین] گرفته و خورده و چند روز معالجه می‌کرده‌اند. بعد از تیمه کاره رها کردن تحصیلات در بیروت، در سال ۱۳۲۳ برای تحصیل به امریکا به کالج [کانورس] (Converse) در ایالت کارولینای جنوبی فرستاده شد.<sup>۳</sup>

## ازدواج با علی هیلر

در سال ۱۳۲۷ فاطمه پهلوی برای دیدار برادر خود محمود رضا مسافرتی به امریکا کرد. در همین مسافرت بود که با یک امریکایی به نام وینسنت هیلر<sup>۴</sup> آشنا شد و این

---

۱. قاسم غنی. خاطرات دکتر قاسم غنی. به کوشش محمد علی صولتی. تهران، کاوش، ۱۳۶۱. ص ۳۱.  
۲. جعفر شاهی. دودمان پهلوی: جریان ملی شدن صنعت نفت در ایران: تاریخ و شرح حال خاندان سلطنتی. چاپ دوم. ۱۳۳۲. ص ۴۹۴.  
۳. قاسم غنی، همان، ص ۱۸۶ و ۳۱.  
۴. وینسنت (علی) هیلر در سال ۱۹۲۵ در تکزاس متولد شد و درجه تحصیلات وی دیپلم ادبیات از دانشگاه کالیفرنیا می‌باشد. (جعفر شاهی، همان، ص ۴۹۹)



مراسم ازدواج فاطمه پهلوی با علی هیلر [۱۹۰۶-۱-پ]



شمس پهلوی، فاطمه پهلوی و علی هیلر [۴-۸۶۲۵-پ]



آشنایی به ازدواج آن دو انجامید ولی از آنجا که در شرع اسلام ازدواج یک زن مسلمان با مرد غیر مسلمان محل اشکال است در اثر فشار افکار عمومی جامعه، شاه با این ازدواج مخالفت کرد و دربار طی اطلاعیه‌ای که از رادیو پخش شد اعلام کرد که فاطمه پهلوی بدون اجازه دربار شوهر کرده است و بر حسب امر شاه تمام امتیازات خاندان سلطنت از او سلب می‌شود.<sup>۱</sup> این فشارها موجب شد که وینسنت هیلر راضی شود به دین اسلام در آید و به همین منظور مراسم عقد و عروسی دیگری در سفارت ایران با حضور تعدادی از شخصیت‌های داخلی و خارجی از جمله آقاخان محلاتی رهبر فرقه اسماعیلیه، ریتا هیورث ستاره هالیوود و عروس آقاخان، سهیلی سفیر کبیر ایران و جمعی دیگر در پاریس برپا شد.<sup>۲</sup> و بدین سان بود که وینسنت هیلر با نام علی به دربار پهلوی راه پیدا کرد. فاطمه پهلوی از علی هیلر صاحب دو فرزند به نامهای کیوان و داریوش پهلوی نیا می‌باشد. وزارت دربار در مرداد ۱۳۳۸ طی اطلاعیه‌ای جدایی فاطمه پهلوی را از همسرش علی هیلر اعلام کرد.

### ازدواج با ارتشبد خاتمی

فاطمه پهلوی چند ماه بعد از جدایی از علی هیلر در آبان ۱۳۳۸ با تیمسار محمد خاتمی فرمانده نیروی هوایی ازدواج کرد.<sup>۳</sup> رابطه زناشویی ارتشبد محمد خاتمی و فاطمه پهلوی آنطور که از فحواي نامه خاتمی به همسرش برمی آید با سوءظن و درگیری توأم بوده است.<sup>۴</sup> ثمره این ازدواج دو پسر به نامهای کامبیز و رامین می‌باشد. ارتشبد خاتمی از افراد مؤثری بود که در یک دوره در خانواده محمد رضا نفوذ داشتند. پس از اینکه خلبان محمد رضا در یک سانحه هوایی از بین رفت گیلانشاه، فرمانده نیروی هوایی وقت، خاتمی را که سرگرد بود به جای او به محمد رضا معرفی کرد. این فرد بسیار زود خود را به محمد رضا نزدیک کرد؛ به ویژه اینکه ورزشکار نیز بود و به این جهت با محمد رضا وجه اشتراک داشت. خاتمی در وقایع ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ و فرار محمد رضا از ایران خلبان او بود و در سال ۱۳۳۷ به جای گیلانشاه به فرماندهی

۱. محمدناصر صولت قشقایی. سالهای بحران: خاطرات روزانه محمدناصر صولت قشقایی از فروردین

۱۳۲۹ تا آذر ۱۳۳۲. به تصحیح نصرالله حدادی. تهران، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۶. ص ۵۲.

۲. جعفر شاهید، همان، ص ۴۹۸.

۳. کتاب پهلوی. بی جا، مؤسسه اطلاعات. ص ۱۲۴.

۴. سند شماره ۲۵ از مجموعه اسناد فاطمه و محمودرضا پهلوی.

نیروی هوایی منصوب شد و در نتیجه ازدواج با فاطمه پهلوی بیش از پیش به شاه نزدیک شد و مدارج ترقی را تا درجه ارتشبدی با سرعتی که در مورد سایر افسران سابقه نداشت پیمود.<sup>۱</sup>

### ارتشبد خاتمی و معاملات اسلحه

موقعیت ارتشبد خاتمی که در رأس نیروی هوایی قرار داشت، با توجه به روابط ناسالم و پنهانی در معاملات اسلحه، زمینه‌های مناسبی برای ارتشبد خاتمی به وجود آورد که وی در متن زد و بندها و رشوه‌خواریهای حاکم بر معاملات اسلحه قرار بگیرد، سالهای زیادی از این راه مشغول پر کردن انبان خود شود و به این طریق ثروت عظیمی بیندوزد به طوری که محمدرضا نیز به این امر اعتراف و ثروت وی را رقمی بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار برآورد می‌کند.<sup>۲</sup> و اما اینکه وی از چه راهی توانسته بود چنین ثروتی به دست آورد، علاوه بر اعتراف صریح محمدرضا به وجود زد و بند در جریان معاملات اسلحه علی‌الخصوص در نیروی هوایی و نیروی دریایی که در نیروی دریایی منجر به برکناری دریا دار رمزی عطایی فرمانده آن نیرو شد،<sup>۳</sup> شواهد فراوان دیگری وجود دارد که رد پای ارتشبد خاتمی را در فضای مسموم حاکم بر معاملات اسلحه نشان می‌دهد. کمپانی امریکایی گرومن سازنده هواپیمای اف-۱۴ تلاشهایی در جهت فروش هواپیماهای اف-۱۴ به نیروی هوایی آغاز می‌کند، و برادران لاوی را به عنوان پل ارتباطی بر می‌گزیند. برادران لاوی در ازای دریافت ۲۸ میلیون دلار از گرومن مقدمه فروش ۳۰ فروند هواپیمای اف-۱۴ را فراهم می‌کنند. در بحبوحه فعالیت‌های برادران لاوی در امر واسطگی با گرومن، فرد جدیدی وارد صحنه می‌گردد. نام وی آلبرت جی. فیوج بود. لاوی اعلام نمود که تحت فشارهایی مجبور شده که بخش اعظم کمیسیون دریافتی را به فردی بدهد که مدعی بوده از طرف دو تن از مقامات عالی‌رتبه دولت ایران یعنی ژنرال طوفانیان و ژنرال خاتمی به این کار مأموریت داشته است. عامل جدید آلبرت جی. فیوج سریعاً موفق شد که در فاصله دو ماه تعداد ۵۰ فروند به خریدهای اف-۱۴ اضافه نماید.<sup>۴</sup>

۱. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ ج ۱: خاطرات حسین فردوست، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰، ص ۲۴۳.

۲. اسدالله علم، گفتگوهای من با شاه، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۳۴.

۳. اسدالله علم، همان، ص ۷۳۴.

۴. اسناد لانه جاسوسی ۶۷: دلالات اسلحه، واسطه‌های نفوذ، ترجمه و تنظیم: دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، تهران، مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۶۸، ص ۳۷-۴۳.



ارتشبد محمد خاتمی و فاطمه پهلوی [۸-۸۶۲۵ پ]



ارتشبد محمد خاتمی فرمانده نیروی هوایی [۳-۸۶۲۵ پ]

در ازای معامله ۲ بیلیون دلاری خرید هواپیما برای ایران، کمپانی گرومن مبلغ ۳/۹۰۰ میلیون دلار به ژنرال خاتمی و افراد دیگری پرداخت کرد.<sup>۱</sup> نمونه دیگری از این دست، موردی است که سیا و کمپانی راکول ایران را تشویق به خرید سیستم ارتباطات و جاسوسی IBEX کردند. این سیستم پیشرفته‌ترین دستگاه کسب اطلاعات و جاسوسی در سراسر خاورمیانه بود. لزوم اجرای پروژه IBEX برای استفاده دفاع هوایی ایران، مدتها مورد بحث و گفت‌وگو بود. کمپانی راکول برای تأیید این پروژه پانصد میلیون دلاری، مبلغ قابل توجهی به سپهد محمد خاتمی، داماد شاه و فرمانده نیروی هوایی ایران پرداخت.<sup>۲</sup>

### مرگ ارتشبد خاتمی

در مورد مرگ ارتشبد خاتمی در شهریور ۱۳۵۴ بر اثر سانحه‌ای که به هنگام یک پرواز تفریحی با کایت روی دریاچه سد دز برای وی پیش آمد نظرات مختلفی ارائه شده است. امریکاییها برای انتخاب جانشین شاه طرحی داشتند که در صورت ترور شاه و یا مرگ ناگهانی وی بتوانند به کمک یکی از عوامل سرسپرده خود قدرت را به دست بگیرند. آنها برای اجرای این طرح به سبب نفوذ و نظارتی که بر ارتش داشتند قاعدتاً به دنبال فرد نیرومندی در ارتش بودند ولی از طرفی معتقد بودند که نیروهای مسلح بیشتر جنبه غیر سیاسی دارند و فاقد رهبرانی هستند که دارای محبوبیت باشند و بتوانند برای این امر خطیر روی آن سرمایه‌گذاری کنند و البته ارتشبد خاتمی را مستثنی از این امر می‌دانستند.<sup>۳</sup>

امریکاییها به دو دلیل خاتمی را مناسب انجام این مأموریت می‌دانستند: ۱. وی توانسته بود در طی سالیان گذشته اعتماد امریکاییان را نسبت به خود جلب کند. ۲. از افراد نزدیک به شاه و مورد اعتماد و وفادار به وی محسوب می‌شد و در حفظ قدرت پهلوی بعد از شاه می‌توانست کارآمد و مفید باشد.

امریکاییها با چنین نیتی این طرح را پی‌ریزی می‌کردند که با بهره‌گیری از ارتشبد

۱. غلامرضا نجاتی. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران - از کودتا تا انقلاب - تهران، موسسه خدمات رسا، ۱۳۷۱. ص ۵۴۱. به نقل از روزنامه New York time, June 26, 1975.

۲. غلامرضا نجاتی، همان، ص ۵۴۰، به نقل از روزنامه Washington Post, Jan 27, 1980.

۳. از ظهور تا سقوط. ترجمه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. تهران، مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی امریکا، ۱۳۶۶. ج ۱، ص ۳۳۴.

خاتمی ارتش را در کنترل داشته باشند و، در نهایت، هر گونه تلاش مخالفان رژیم را برای به دست گرفتن قدرت نابود کنند. و بدین گونه با تسلط بر اوضاع، قدرت را به سمت دلخواه خود سوق دهند.

هنری پرشت (Henry Precht) رئیس اداره ایران در وزارت خارجه امریکا در اواخر سپتامبر ۱۹۷۸ در دیداری با سیروس غنی اعتراف می کند که امریکا نقش عمده‌ای برای ارتشید خاتمی برای به دست گرفتن قدرت با استفاده از توان و نیروی ارتش قائل بوده است که عملاً با مرگ خاتمی این طرح به شکست انجامید. جرج بال و سایر سنس نیز وجود چنین طرحی را مورد تأکید قرار داده‌اند.<sup>۱</sup>

با وجود چنین طرحی که امریکاییها برای شاه در مد نظر داشتند طبیعی بود که شاه همیشه از این ناحیه احساس خطر کند چرا که این طرح اگر چه برای بعد از مرگ شاه در نظر گرفته شده بود ولی می توانست قابلیت اجرا در زمان حیات وی را نیز داشته باشد و با توجه به بی‌اعتنایی شاه نسبت به مرگ خاتمی که یکی از نزدیکان وی به شمار می رفت پذیرش این قضیه را به عنوان حادثه مورد تردید قرار می دهد.

در مقدمه کتاب یادداشتهای علم چنین می خوانیم: خاتمی که چند سالی بود در روزهای تعطیل برای اسکی آبی به دریاچه سد دز می رفت، هنگام پرواز با گلایدر ناگهان چندین بار به صخره‌های کنار دریاچه خورد و جان سپرد. خاتمی از نزدیکان و سرسپردگان شاه به شمار می آمد و در مرداد ۱۳۳۲ با خلبانی هواپیمایی که شاه را به بغداد برد، در عمل وفاداری خود را ثابت کرده بود. علم مطمئن بود که این رویداد شاه را بسیار متأثر کرده است و روز بعد به او پیشنهاد کرد کمیسیونی از سوی ارتش برای بررسی علت این حادثه تعیین شود، به ویژه که روایتهای ضد و نقیضی درباره آن به گوش می رسید. از یک سو گفته می شد که باد او را به صخره زده است و از سوی دیگر برخی می گفتند که بادی در میان نبوده و بالهای گلایدر یکباره جدا شده و خاتمی مانند سنگ پایین افتاده است، شاید هم خرابکاری در میان بوده است. شاه پیشنهاد علم را پذیرفت و دستور داد در ارتش کمیسیونی را مأمور رسیدگی این امر کند.<sup>۲</sup>

علم در یادداشت شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۵۴ از قول شاه می گوید: «اگر خود بدون بال پایین افتاده و باد باعث آن نبوده، خودش بالهای خود را باز کرده و قصد خودکشی داشته است» وقتی علم در جواب می گوید: او که از چیزی ناراحتی نداشت. شاه می گوید: «چرا

۱. اسدالله علم. یادداشتهای علم. چاپ امریکا، ۱۹۹۲. ج ۱، ص ۱۱۵.

۲. اسدالله علم، همان. مقدمه کتاب.

یکی دو ماه اخیر ناراحت بود.» و اوج گفت و شنود بین اسدالله علم و شاه را می‌توان در یادداشت ۳ مهر ۱۳۵۴ دید. که شاه مسائل بسیار محرمانه‌ای را به علم می‌گوید که علم هیچ‌گونه اطلاعی از آن نداشت.

شاه راجع به ارتش و همچنین مرحوم ارتشبد خاتمی مسائلی فرمودند که به نظرم دیگر خیلی محرمانه است و باید با من به خاک برود... البته شاهنشاه روی ارتش خیلی حساب می‌کنند و جزئیات امور ارتش و امرای ارتش و همه چیز را در قلب خود می‌دانند که واقعاً مایه حیرت است.<sup>۱</sup>

در آستانه پیروزی انقلاب فاطمه پهلوی به همراه فرزندان از ایران گریخت. وی در سن ۵۸ سالگی به سال ۱۳۶۶ بر اثر بیماری سرطان در لندن در گذشت. و چهار فرزند وی هرکدام به نوعی گرفتار اعتیاداتی هستند.<sup>۲</sup>

۱. اسدالله علم، همان، یادداشت شنبه ۳ مهر ۱۳۵۴.

۲. مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی؛ ج ۲: رضا شاه در تبعید. لندن، بی‌نا، ۱۳۶۷، ص ۲۵۹